

ارزیابی تحلیل وضعیت توسعه یافتگی فضای ملی بر مبنای بخش‌های ۱۵ گانه اقتصادی (مطالعه موردی: مناطق ۱، ۲، ۸ و ۹)

رحیم سرور - استاد گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
علی عشقی چهاربرج^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
سعیده علوی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۵

چکیده

ضرورت توسعه یکپارچه و متوازن در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، شناخت ویژگی‌های نواحی مختلف و نابرابری بین آن‌ها را اجتناب‌ناپذیری نموده است. شناخت وضعیت موجود مناطق از لحاظ شاخص‌های توسعه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، اولین مرحله در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ایجاد تعادل و تأمین عدالت اجتماعی بین مناطق بشمار می‌رود. از این‌رو پژوهش حاضر باهدف سنجش سطوح توسعه‌یافتگی درون منطقه‌ای استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور به لحاظ ابعاد اقتصادی انجام شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی با هدف کاربردی است. در این پژوهش برای وزن‌دهی به شاخص‌های مورد پژوهش از مدل ANP و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره پرمته و گایا استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که در مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور، استان‌های آذربایجان شرقی، مازندران، فارس و کرمان با کسب رتبه اول از وضعیت اقتصادی مطلوب، و استان‌های اردبیل، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان با کسب رتبه‌های آخر از وضعیت اقتصادی بسیار ضعیفی برخوردار می‌باشند. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین مرکزیت منطقه‌ای و جذب امکانات اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که در منطقه یک (استان آذربایجان شرقی)، در منطقه ۲ (استان مازندران)، در منطقه ۸ (استان فارس) و در منطقه ۹ (استان کرمان) در مرکزیت منطقه خود قرار گرفته‌اند که نسبت به استان‌های همجوار خود از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار بوده‌اند. بررسی تفاوت‌های بین منطقه‌ای نیز نشان می‌دهد که به لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی منطقه ۲ رتبه اول، منطقه ۱ رتبه دوم، منطقه ۸ رتبه سوم و منطقه ۹ رتبه آخر را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در جهت دستیابی به توسعه متعادل فضایی در استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) می‌بایستی در برنامه‌های آتی آمایش ملی، استان‌های اردبیل، گلستان، کهگیلویه و بویر احمد و سیستان و بلوچستان از اولویت بسیار بالا، استان هرمزگان از اولویت بالا، استان‌های آذربایجان غربی، گیلان و بوشهر از اولویت متوسط، استان‌های کرمان و فارس از اولویت ضعیف و استان‌های آذربایجان شرقی و مازندران از اولویت خیلی ضعیف برخوردار باشند.

واژه‌گان کلیدی: توسعه‌یافتگی، شاخص‌های اقتصادی، تحلیل شبکه، پرمته

مقدمه

از موضوعاتی که اخیراً در فرهنگ برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای مطرح گردیده ولی جایگاه آن هنوز در کشور ما به‌وضوح مشخص نشده، نابرابری توسعه نواحی است. این نابرابری‌ها که به دلایل متعددی چون دلایل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی ایجاد می‌شوند، رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی و مناطق را به دنبال دارند (منصوری و ثالث، ۱۳۷۵: ۴). وجود این نابرابری‌ها سبب گردیده که شکاف توسعه بین نواحی توسعه‌یافته و محروم روزبه‌روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست بدهد، محرومیت نواحی محروم تداوم یابد و نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کنند. این امر نه تنها باعث رشد و توسعه کشور نشده، بلکه روند کلی توسعه را نیز ناعادلانه‌تر و آهسته‌تر کرده است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶). با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه، حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۵). بنابراین اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. از مهم‌ترین خصایص اقتصاد پویا و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و ثمره‌های توسعه در میان اکثریت جمعیت هر ناحیه و منطقه یا کشور است (Friedman, 1966: 19).

با وجود اینکه نابرابری و عدم تعادل از ویژگی‌های جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم، اما تلاش‌های بسیاری برای کم کردن این نابرابری‌ها به‌عنوان آرمان برنامه‌ریزی در مقیاس جهانی صورت گرفته است. تا جایی که کنفرانس هایبیتات در سال ۲۰۰۱ کاهش نابرابری را یکی از مؤلفه‌ها و رتوس اصلی دستیابی به توسعه پایدار معرفی می‌کند (Javier & martin, 2005: 13). توزیع نامتعادل خدمات و امکانات به صورت نامناسب از ویژگی‌های بارز و عمده کشورهای جهان سوم و ایران است (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۵۶). یکی از مشخصه‌های بارز در توسعه فضایی ایران نیز وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است (زالی، ۱۳۷۹: ۴). در شرایط کنونی، یکی از مسائل و مشکلات اساسی در برنامه‌ریزی‌ها، عدم تعادل ناشی از توزیع نامتعادل امکانات در سطح کشور و استان‌ها می‌باشد (مومنی و قهاری، ۱۳۹۲: ۵۴). عدم توازن در جریان توسعه، بین نواحی مختلف موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. بر این اساس، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق کشور یا نواحی یک استان، از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های ناحیه‌ای، تحت تأثیر قرار دهد (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۶). برای شناخت تفاوت سطح توسعه نواحی لازم است ابتدا وضعیت موجود هر ناحیه بررسی شود تا اینکه بتوان بر این اساس در جهت کاهش یا از میان بردن تفاوت‌ها اقدام به برنامه‌ریزی ناحیه‌ای کرد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۵: ۲۱۵). در همین راستا برنامه‌ریزان به ابداع تکنیک‌ها و روش‌هایی برای سطح‌بندی نواحی پرداخته‌اند تا از این راه درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق را دریابند و بتوانند به شناخت و تحلیل علل یا عوامل نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای دست یابند (بدری، ۱۳۸۵: ۶). به‌کارگیری معیارها و روش‌های کمی جهت سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در سیستم فضایی مناطق، نه تنها موجب شناخت تفاوت میان سکونتگاه‌ها می‌گردد، بلکه این سطح‌بندی معیاری برای تعیین انواع خدمات مورد نیاز و تعدیل نابرابری بین سکونتگاه‌ها است (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۰۹). ایران به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، از نظر برخورداری از شاخص‌های اقتصادی، در مناطق ۹ گانه خود دارای اختلافات زیادی می‌باشد. بر این اساس مطالعه نابرابری‌های اقتصادی در بین مناطق مختلف کشور یکی از اقدامات ضروری و پایه برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و اصلاح آرایش فضایی اقتصاد ملی و منطقه‌ای می‌باشد. این امر می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای تحت تأثیر قرار دهد. شناخت این مسائل از اساسی‌ترین ملزومات در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای می‌باشد. شناخت و تشخیص وضع موجود و تجزیه و تحلیل تنگناها، محدودیت‌ها، امکانات، قابلیت‌ها، استنباط صحیح از کمیت و کیفیت نیازها و اولویت‌های مربوط به آنها، می‌تواند برنامه

ریزان را در تدوین برنامه‌ها مناسب و کارآمد یاری دهد. از این رو پژوهش حاضر، سعی بر آن دارد تا سطوح توسعه یافتگی اقتصادی را در مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور بر اساس آمار و اطلاعات حساب‌های ملی ایران (حساب‌های منطقه‌ای سال ۱۳۹۲)، با استفاده از مدل پرومته مورد بررسی و سنجش قرار دهد و با توجه به امتیازات حاصله، سطوح توسعه یافتگی اقتصادی را در پنج سطح بسیار قوی، قوی، متوسط، ضعیف و بسیار ضعیف طبقه‌بندی کند. اهدافی که پژوهش حاضر به دنبال تحقق آنهاست عبارت‌اند از:

- بررسی تفاوت‌ها و نابرابری‌ها بین استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه اقتصادی.

- تعیین برخوردارترین و محروم‌ترین استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور، به لحاظ توسعه یافتگی اقتصادی.

- اولویت‌بندی مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور به لحاظ برخورداری از شاخص‌های اقتصادی.

برخی از تحقیقاتی که تاکنون در ارتباط با سطوح توسعه یافتگی با استفاده از مدل‌های کمی صورت گرفته بدین شرح می‌باشد. ضرابی و شاهپوندی (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران انجام دادند. نتایج حاصل از پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی نشان داد که اختلاف بسیاری بین استان‌های ایران از نظر درجه توسعه یافتگی اقتصادی وجود دارد به طوری که استان‌هایی مانند: تهران، اصفهان و خراسان رضوی توسعه یافته، برخی دیگر از استان‌ها مانند: ایلام، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، محروم و سایر استان‌ها از نظر شاخص‌های توسعه اقتصادی در حد متوسط‌اند و از استان‌های بالادست و پایین دست خود فاصله گرفته‌اند که این وضعیت، باعث ایجاد یک شکاف اقتصادی در بین استان‌های ایران شده است. قائد رحمتی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان "تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان" انجام دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان از عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در شهرستان‌های استان می‌باشد. به شکلی که از مجموع ده شهرستان مورد مطالعه استان، شهرستان‌های زاهدان و زابل در تخصیص منابع و امکانات و خدمات در رتبه اول و شهرستان‌های سرباز، کنارک و زهک در رتبه آخر قرار گرفته‌اند. شریف‌زاده و عبدالله‌زاده (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)" انجام دادند. نتایج رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص ترکیبی ابعاد سه‌گانه نشان داد که استان تهران در گروه شاخص‌های اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی، استان خوزستان در گروه شاخص‌های اقتصادی و استان سمنان در گروه شاخص‌های زیرساختی و خدماتی بالاترین رتبه را دارا هستند. نتایج رتبه‌بندی استان‌ها از نظر شاخص ترکیبی کل نیز نشان داد که، استان‌های تهران، سمنان و اصفهان توسعه یافته‌ترین بودند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و سیستان و بلوچستان از پایین‌ترین سطح توسعه در کشور برخوردار بودند. پوراصغر سنگاچین و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "سنجش سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی" انجام دادند. در این پژوهش ۱۳ شاخص از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی شناسایی و داده‌های متناظر با آن‌ها برای ۲۸ استان کشور ایران براساس سالنامه آماری ۱۳۸۵ گردآوری شد. براساس سطح‌بندی، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، تهران و سمنان به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم و استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و همدان به ترتیب در رتبه‌های آخر قرار گرفتند. زیاری و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "بررسی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های کشور و رابطه آن با نرخ شهرنشینی" انجام دادند. نتایج تحقیق بصورت مستند نابرابری‌های عمیق توسعه را بین شهرستان‌های مختلف نشان می‌دهد به گونه‌ای که ۱۱۳ شهرستان با ۳۳/۶ درصد کل شهرستان‌های کشور دارای ضریب توسعه کمتر از یک درصد و کاملاً محروم محسوب می‌شوند. ضرابی و ایزدی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان "تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور با استفاده از تکنیک VIKOR و رگرسیون چند متغیره" انجام دادند. نتایج به دست آمده از روش ویکور جهت رتبه‌بندی استان‌های کشور براساس

شاخص‌های مورد بررسی حاکی از آن است که استان تهران با ضریب ۱۰۵/۰ رتبه اول و استان قم با ضریب ۰۶۰/۱ رتبه آخر قرار دارد. سرور و خلیجی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد که با استفاده از تکنیک ویکور" انجام شده به این نتایج دست یافتند که با توجه به معیارهای در نظر گرفته شده برای سطح‌بندی شهرستان‌ها، شهرستان‌های گچساران، بهمئی، دارای مطلوبیت نسبی از نظر سطح توسعه‌یافتگی هستند. نسترن و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان "پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی" انجام دادند. جامعه آماری پژوهش، ۳۳۶ شهرستان کشور بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ است که با استفاده از تحلیل عاملی، تاپسیس و موریس انجام شده است. نتیجه حاصل از رتبه‌بندی نهایی نشان داد که ۱۱۲ شهرستان سطح میان برخوردار و ۹۰ شهرستان فرورخوردار بیشترین تعداد شهرستان‌های کشور را به خود اختصاص داده‌اند. با مطالعه تحقیقات پیشین مشخص گردید هرکدام از این تحقیقات جهت سطح‌بندی توسعه‌یافتگی از مدل‌های کمی مختلفی مانند تاپسیس، ویکور، موریس و تحلیل عاملی استفاده نمودند. آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند استفاده از مدل تصمیم‌گیری پرومته جهت سطح‌بندی توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور است که تاکنون از این مدل برای انجام چنین پژوهش‌هایی استفاده نشده است.

در زمینه مباحث توسعه و رفع نابرابری‌های ناحیه‌ای تاکنون نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی از این نظریات در جدول (۱) آورده شده است.

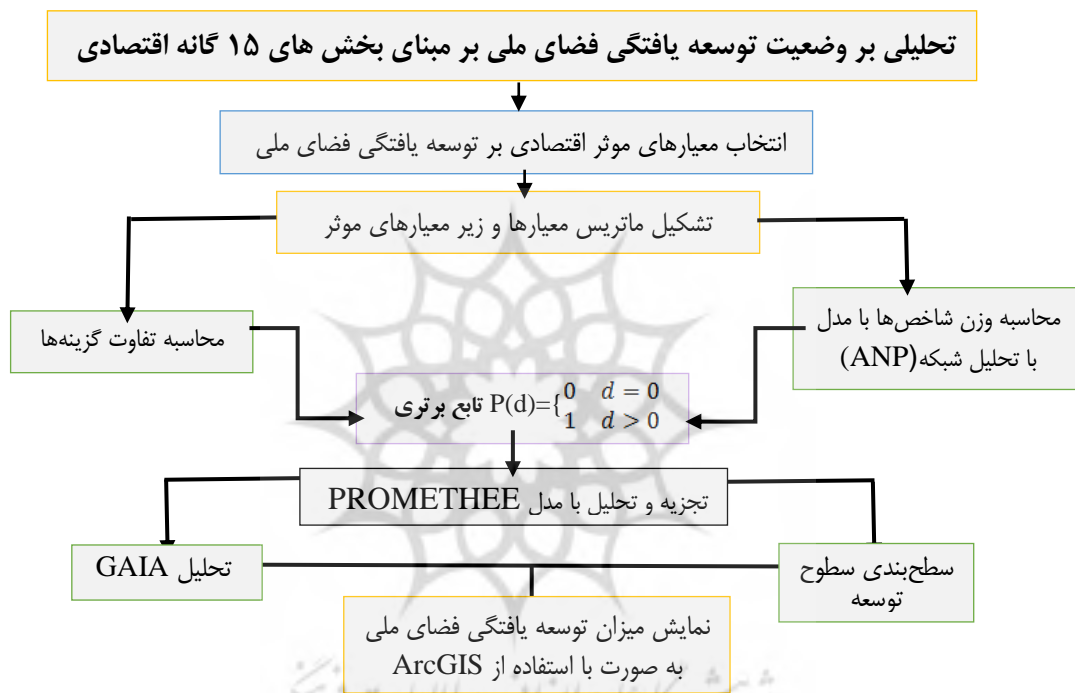
جدول ۱. نظریات مطرح در زمینه توسعه و نابرابری ناحیه‌ای

نظریه پردازان	نظریه	توضیحات
کینزی	نئو کینزی یا اقتصاد پایه	این نظریه موتور رشد و نیروی محرک اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از بخش صادرات می‌داند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). بر اساس این نظریه رشد و توسعه ناحیه به صادرات وابسته است و تنها محرک رشد اقتصاد ناحیه‌ای به شمار می‌آید (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۰۵).
پیترهال	-	مهم‌ترین هدف سیاست اقتصاد ناحیه‌ای به منظور کاهش نابرابری‌های آن، ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجرت در ناحیه کمک می‌کند و رشد و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت (Hall, 1992, 92).
هیرشمن و میردال	قطب رشد	نظریه قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز و دیگری اثرات پخش؛ بدین صورت که رشد همزمان در همه‌جا اتفاق نمی‌افتد بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه اتفاق می‌افتد که از قدرت جاذبه بالایی برخوردارند (اثرات تمرکز) این نقاط، توسعه را در کانال‌هایی پخش می‌کنند که کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اثر پخش) (کلانتری، ۱۳۸۷: ۶۰-۷۰).
فریدمن	مرکز-پیرامون	معتقد هر نظام جغرافیایی شامل دو زیرنظام فضایی است: یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویایی نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به حساب آورد و در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد (Hilhoest, 1991, 26-27). رابطه مرکز پیرامون را اصولاً می‌توان رابطه‌ای استعماری دانست. معمولاً بروز ساختاری قطبی شده، با جابه‌جایی برخی عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی یزدی و رجیبی، ۱۳۸۲: ۲۰۴).
اقتصاددانان	نظریه رشد متوازن	معتقدند که توسعه متعادل ناحیه‌ای برای آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه نواحی فراهم آورد، تفاوت‌های کیفیت زندگی بین ناحیه‌ای و درون ناحیه‌ای را به حداقل رساند و نهایتاً از بین ببرد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

منبع: نگارندگان

با توجه به چارچوب نظری بیان شده، وجه اشتراک همه آن‌ها توجه به نابرابری‌های ناحیه‌ای و همچنین توجه به رشد و توسعه نواحی کمتر توسعه‌یافته است. لهسایی‌زاده در کتاب "جامعه‌شناسی توسعه" در ارتباط با توسعه‌نیافتگی هماهنگ استان‌های ایران، معتقد است که موانع داخلی توسعه اقتصادی هماهنگ، عبارت‌اند از: ۱. کمبود سرمایه‌گذاری؛ ۲. توزیع نابرابر کالاها و خدمات؛ ۳. رشد بی‌تناسب بخش خدمات؛ ۴. بیکاری و فقر (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۷). براین اساس می‌توان گفت، در بسیاری از کشورها، نابرابری‌های منطقه‌ای پیامد مستقیم اجرای سیاست‌های مربوط به ایجاد قطب‌های

رشد است؛ به طوری که برخی نواحی سریع تر از سایر مناطق، رشد و توسعه می یابند (Song et al, 2000: 247). از این رو در واکنش به نابرابری های موجود توسعه ی نواحی و مناطق، تلاش یک سیاست توسعه ی متعادل ناحیه ای بر آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه ی جامع همه ی نواحی فراهم آورد و تفاوت های کیفیت زندگی بین ناحیه ای و درون ناحیه ای را به حداقل برساند (Mabogunje and Misra, 1981: 55). پژوهش حاضر در صدد است تا با استفاده از رویکرد نظریه رشد متوازن که توسط اقتصاددانان مطرح شد، وضع موجود استان های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور را به لحاظ توسعه یافتگی اقتصادی سطح بندی نماید و با روشن نمودن نقاط قوت و ضعف استان ها، متولیان امر بتوانند با برنامه ریزی مناسب جهت رفع این نابرابری ها و تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب در راستای رسیدن به توسعه متوازن تلاش نمایند.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با هدف کاربردی است. جامعه آماری تحقیق مناطق ۱ (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل)، ۲ (گلستان، گیلان و مازندران)، ۸ (فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد) و ۹ (سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان) می باشد. با توجه به مسئله تحقیق در مجموع اطلاعات مربوط به زیرمعیارهای هر بخش اقتصادی جمع شده و به صورت سهم هر استان از بخش ۱۵ گانه اقتصادی شاخص سازی شد. آمار و اطلاعات از حساب های ملی ایران (حساب های منطقه ای) سال ۱۳۹۲ جمع آوری شده است. جهت وزندهی از مدل ANP و جهت تجزیه و تحلیل از مدل پرومته و گایا استفاده شده است. همچنین برای شاخص سازی و انجام محاسبات از Excel استفاده شده است. در این راستا از نرم افزار Super Decisions جهت تعیین وزن شاخص ها، از نرم افزار Visual

PROMETHEE جهت اجرای مدل و از نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی جهت ترسیم خروجی استفاده شده است. جدول شماره (۲) متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

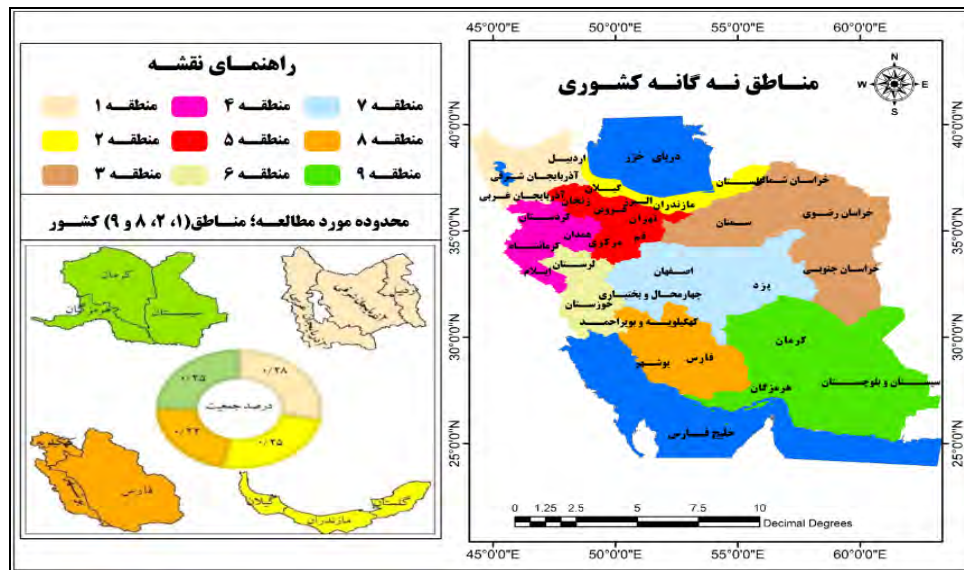
جدول ۲. شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

معیار	زیر معیار
X1	کشاورزی، شکار و جنگلداری
X2	معادن
X3	ماهگیری
X4	صنعت
X5	تأمین آب، برق و گاز طبیعی
X6	ساختمان
X7	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها
X8	هتل و رستوران
X9	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات
X10	واسطه‌گری‌های مالی
X11	مستغلات، کرایه و خدمات
X12	امور عمومی و خدمات شهری
X13	آموزش
X14	بهداشت و مددکاری اجتماعی
X15	خدمات عمومی

منبع: حساب‌های ملی ایران (حساب‌های منطقه‌ای ۱۳۹۲)

محدوده مورد مطالعه

براساس آخرین تقسیمات کشور در سال ۱۳۹۳ ایران دارای ۳۱ استان می‌باشد. از سال ۷۲ به ترتیب استان اردبیل، قم، قزوین، گلستان تشکیل شده، خراسان به سه استان خراسان جنوبی، خراسان شمالی و خراسان رضوی تقسیم شده و در سال ۱۳۸۹ البرز آخرین استانی بود که تاکنون تأسیس شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در سال ۱۳۶۹ وزارت کشور اقدام به منطقه‌بندی کشور نمود. در این تقسیم‌بندی کل کشور به ۹ منطقه کلان تقسیم شد که این مناطق نه‌گانه اساس تحلیل در این پژوهش قرار گرفته است (شکل ۲). محدوده مورد مطالعه شامل منطقه ۱ (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل)، ۲ (گلستان، گیلان و مازندران)، ۸ (فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد) و ۹ (سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان) می‌باشد. مساحت مناطق ذکر شده از کل کشور به ترتیب ۶/۲، ۳/۷، ۹/۹ و ۲۴/۴ درصد می‌باشد. همچنین براساس آمار جمعیتی سال ۱۳۹۲ سهم جمعیتی ۴ منطقه مورد مطالعه به ترتیب ۰/۲۸، ۰/۲۵، ۰/۲۲ و ۰/۲۵ درصد می‌باشد.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

در پژوهش حاضر برای سنجش سطوح توسعه یافتگی اقتصادی مناطق (۱، ۲، ۸، ۹) کشور، از مدل پرومته استفاده شده است. برای ارزیابی سطوح توسعه یافتگی اقتصادی مناطق مورد مطالعه از مؤلفه‌های بخش ۱۵ گانه اقتصادی بهره گرفته شده است. جهت تحلیل یافته‌ها، ابتدا داده‌های خام شاخص‌سازی شده، سپس برای بیان اهمیت نسبی هریک از شاخص‌ها از مدل ANP استفاده گردید. در نهایت جهت تحلیل، داده‌ها وارد مدل پرومته شد. مراحل اجرای مدل به صورت خلاصه در زیر بیان شده است:

گام اول (تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری و تعیین نوع معیار): پس از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری در گام نخست باید بر پایه‌ی رابطه‌ی $d_j = (a, b) = f_j(a) - f_j(b)$ تفاوت هریک از گزینه‌ها در هریک از شاخص‌ها نسبت به یکدیگر بدست آورد. این تفاوت برای شاخص Max زمانی معنادار خواهد بود که $f_j(a) > f_j(b)$ باشد. برای شاخص‌های Min این رابطه برعکس است. پس از محاسبه میزان تفاوت گزینه‌ها با یکدیگر، مقدار $p_j = (a, b)$ به دست آورده می‌شود این مقدار از قرار دادن d_j در تابع برتری مربوط به هر شاخص بدست می‌آید. توابع برتری انواع مختلفی مانند: توابع عادی، بخشی، خطی، هم‌سطح، V شکل با ناحیه بی تفاوت و گاوسی می‌باشد (سرور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰). در پژوهش حاضر با توجه به گسسته بودن داده‌ها از تابع عادی استفاده شده است (جدول ۳).

جدول ۳. توابع برتری

نام	پارامتر	رابطه	شکل	شرح
عادی	-	$P(d) = \begin{cases} 0 & d = 0 \\ 1 & d > 0 \end{cases}$		در صورتی که امتیازات دو گزینه برابر باشد، هیچ تفاوتی وجود نخواهد داشت.

Source: Chou et al, 2004 : 53, Brans& Mareschal, 2005, Kalogeras et al, 2004, Bogdanovic et al, 2012

گام دوم (تعیین وزن شاخص‌ها): تعیین وزن شاخص‌های مختلف، کاری لازم در همه‌ی مسائل تصمیم‌گیری چند شاخصه است. در روش پرومته، وزن شاخص‌ها اعداد حقیقی هستند که به واحد اندازه‌گیری شاخص بستگی ندارند. روش به کار

گرفته شده در پژوهش حاضر جهت محاسبه اهمیت نسبی مؤلفه‌ها، مدل ANP می‌باشد. در این پژوهش برای محاسبه دقیق تر وزن شاخص‌ها از نرم‌افزار Super Decisions استفاده شده است (جدول ۴).

جدول ۴. شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

وزن	زیرمعیار	معیار	
۰/۰۷۵	زراعت و باغداری، دامداری، مرغداری، پرورش کرم ابریشم و زنبورعسل و شکار و جنگلداری	کشاورزی، شکار و جنگلداری	X1
۰/۰۵۶	نفت خام و گاز طبیعی، سایر معادن	معادن	X2
۰/۰۷۲	-	ماهیکگیری	X3
۰/۰۷۸	ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، ساخت محصولات از توتون و تنباکو، ساخت منسوجات، ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز، دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی، ساخت چوب و محصولات چوبی، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی، انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضعیف شده، ساخت کک، فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای، ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی، ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک، ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی، ساخت فلزات اساسی، ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی، ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی، ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت، ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر، ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل، ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، بازیافت	صنعت	X4
۰/۰۶۹	-	تأمین آب، برق و گاز طبیعی	X5
۰/۰۶۸	-	ساختمان	X6
۰/۰۵۹	-	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای	X7
۰/۰۶۷	هتل و خوابگاه، رستوران	هتل و رستوران	X8
۰/۰۷۰	حمل‌ونقل زمینی، راه‌آهن، جاده‌ای، لوله‌ای، آبی، هوایی، خدمات پشتیبانی و انبارداری، پست و مخابرات	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات	X9
۰/۰۶۳	بانک، سایر واسطه‌گری‌های مالی و فعالیت‌های جنبی آنها، بیمه	واسطه‌گری‌های مالی	X10
۰/۰۵۷	مستغلات، خدمات واحدهای مسکونی شخصی، اجاری، غیرمسکونی، خدمات دلان مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار	مستغلات، کرایه و خدمات	X11
۰/۰۶۹	امور عمومی، خدمات شهری، امور دفاعی و انتظامی، تأمین اجتماعی اجباری	امور عمومی و خدمات شهری	X12
۰/۰۷۳	آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه عمومی و متوسطه فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی، آموزش بزرگسالان	آموزش	X13
۰/۰۷۳	بهداشت و درمان، بهداشت و درمان دولتی و خصوصی، دامپزشکی، مددکاری اجتماعی	بهداشت و مددکاری اجتماعی	X14
۰/۰۵۱	تفریحی، فرهنگی، ورزشی، مذهبی و سیاسی، سایر خدمات	خدمات عمومی	X15

گام سوم (میزان مجموع موزون برتری گزینه): رتبه‌بندی پایانی یا اولویت گزینه با جمع کردن اولویت همه‌ی شاخص‌ها به دست می‌آید که به آن مقدار کلی گفته می‌شود و با رابطه زیر بدست می‌آید (Leener and Pastijn, 2002):

$$\pi(a, b) = \sum_{j=1}^k w_j p_j(a, b), \sum_{j=1}^k w_j = 1 \quad \text{رابطه (۱)}$$

به‌گونه‌ای که w_j برابر وزن شاخص j ام است. وزن‌ها توسط تصمیم‌گیرنده تعیین و سپس نرمال $\sum w_j = 1$ می‌شوند. گام چهارم (جریان رتبه‌بندی مثبت و منفی): اگر تعداد گزینه‌ها (که با n نشان داده می‌شود) بیش‌تر از دوتا باشد، رتبه‌بندی پایانی به‌وسیله‌ی مجموع مقادیر مقایسات زوجی به دست می‌آید. برای هر گزینه‌ی $a \in A$ و با در نظر گرفتن گزینه‌های دیگر $x \in A$ می‌توان جریان رتبه‌بندی زیر را بدست آورد (Brans et al, 1996):

$$\phi^+(a) = \frac{1}{n-1} \sum_{x \in A} \pi(a, x)$$

رابطه (۲): جریان رتبه‌بندی مثبت یا جریان خروجی

این جریان نشان می‌دهد که گزینه a چقدر بر گزینه‌های دیگر اولویت دارد. بزرگ‌ترین $\phi^+(a)$ به معنای بهترین گزینه است.

$$\Phi^-(a) = \frac{1}{n-1} \sum_{x \in a} \pi(x, a) \quad \text{رابطه (۳): جریان رتبه بندی منفی یا خروجی}$$

این جریان نشان می دهد که گزینه های دیگر تا چه میزان برگزیده ی a اولویت دارند. کوچک ترین $\Phi^-(a)$ نشان دهنده ی بهترین گزینه است. رتبه بندی گزینه ها را می توان با جریان مثبت یا جریان منفی رتبه بندی کرد. این دو رتبه بندی به طور معمول یکسان نیستند (Brans and Mareschal, 1994). اما تصمیم گیرنده همیشه خواهان رتبه بندی کامل است، زیرا تصمیم گیری ساده تر خواهد بود. محاسبه ی جریان خالص رتبه بندی این امکان را فراهم می سازد (Babic and Plazibat, 1998) این جریان حاصل توازن میان جریان رتبه بندی مثبت و منفی است. جریان خالص بالاتر، نشان دهنده ی گزینه ی برتر است (Brans and Mareschal, 1994). برای محاسبه ی جریان خالص رتبه بندی از رابطه (۴) استفاده می شود:

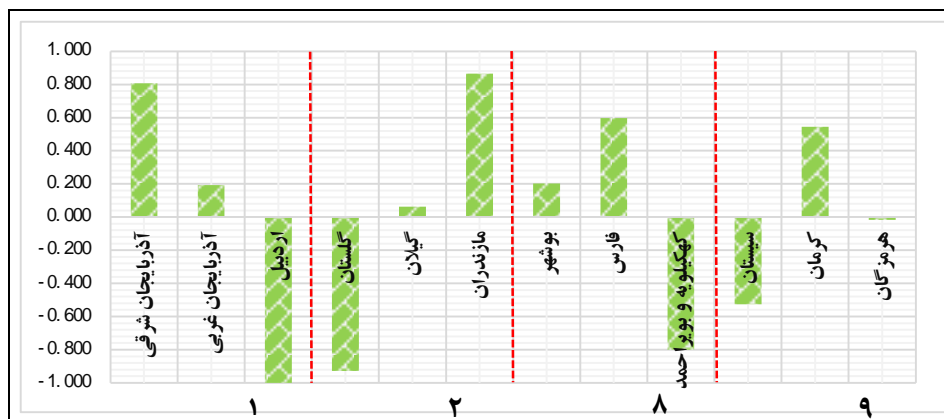
$$\Phi(a) = \Phi^+(a) - \Phi^-(a) \quad \text{رابطه (۴)}$$

جدول ۵. جریان رتبه بندی مثبت، منفی و خالص

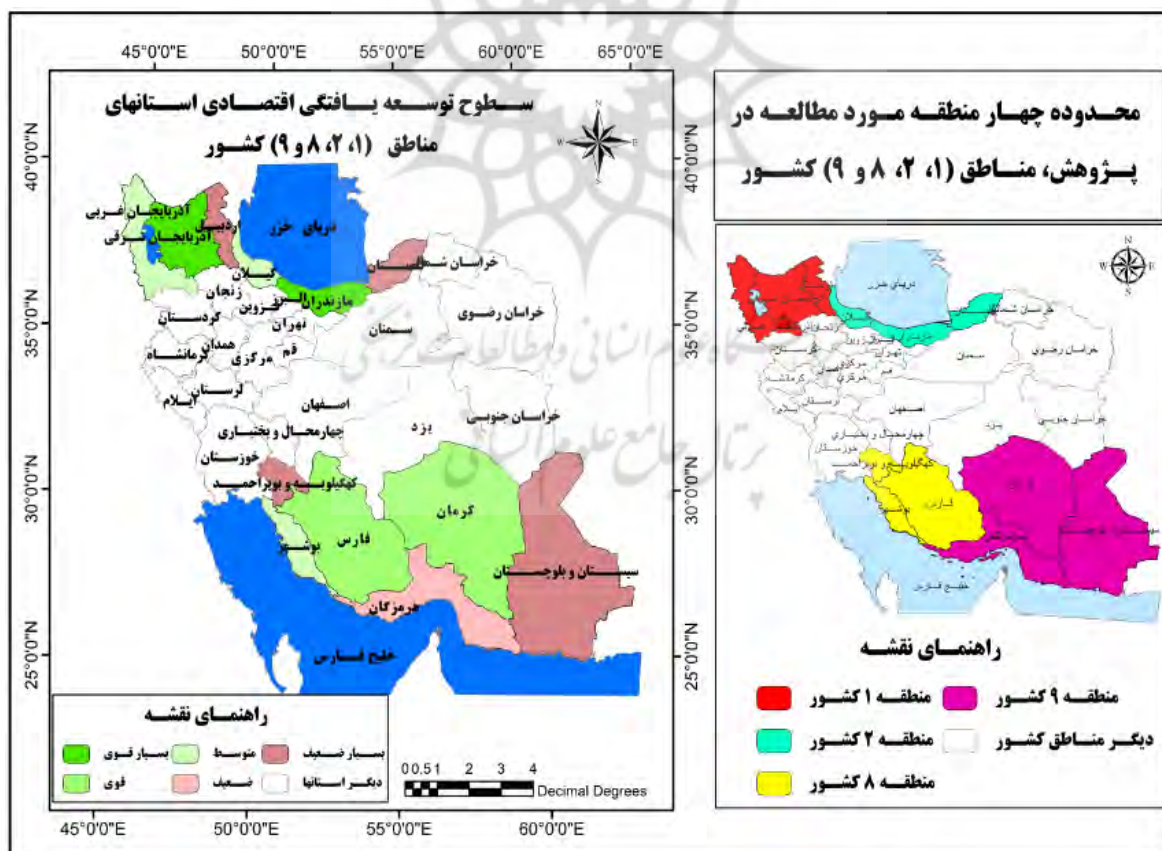
منطقه	استان	Phi+	Phi-	Phi	رتبه نهایی	Phi	وضعیت	جمعیت	درص
۱	آذربایجان شرقی	۰/۹۰۴	۰/۰۹۷	۰/۸۰۷	آذربایجان شرقی	۰/۸۰۷	بسیار قوی	۳۷۸۰۰۰۰	۰/۴۶
	آذربایجان غربی	۰/۵۹۷	۰/۴۰۴	۰/۱۹۳	آذربایجان غربی	۰/۱۹۳	متوسط	۳۱۶۰۰۰۰	۰/۳۹
	اردبیل	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	-۱/۰۰۰	اردبیل	-۱/۰۰۰	بسیار ضعیف	۱۲۶۷۰۰۰	۰/۱۵
۲	گلستان	۰/۰۳۶	۰/۹۶۴	-۰/۹۲۸	مازندران	۰/۸۶۵	بسیار قوی	۳۱۲۷۰۰۰	۰/۴۲
	گیلان	۰/۵۳۲	۰/۴۶۹	۰/۰۶۳	گیلان	۰/۰۶۳	متوسط	۲۵۱۱۰۰۰	۰/۳۳
	مازندران	۰/۹۳۳	۰/۰۶۸	۰/۸۶۵	گلستان	-۰/۹۲۸	بسیار ضعیف	۱۸۳۹۰۰۰	۰/۲۵
۸	بوشهر	۰/۶۰۲	۰/۳۹۹	۰/۲۰۳	فارس	۰/۵۹۷	قوی	۴۶۸۸۰۰۰	۰/۷۳
	فارس	۰/۷۹۹	۰/۲۰۲	۰/۵۹۷	بوشهر	۰/۲۰۳	متوسط	۱۰۷۷۰۰۰	۰/۱۷
	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۱۰۰	۰/۹۰۰	-۰/۸۰۰	کهگیلویه و بویراحمد	-۰/۸۰۰	بسیار ضعیف	۶۸۱۰۰۰	۰/۱۰
۹	سیستان	۰/۲۲۳	۰/۷۴۹	-۰/۵۲۷	کرمان	۰/۵۴۴	قوی	۳۰۲۶۰۰۰	۰/۴۱
	کرمان	۰/۷۷۲	۰/۲۲۸	۰/۵۴۴	هرمزگان	-۰/۰۱۸	ضعیف	۱۶۴۲۰۰۰	۰/۲۳
	هرمزگان	۰/۴۷۷	۰/۴۹۵	-۰/۰۱۸	سیستان	-۰/۵۲۷	بسیار ضعیف	۲۶۵۹۰۰۰	۰/۳۶

نتایج جدول (۵) رتبه درون منطقه ای استان های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور از نظر برخورداری از شاخص های توسعه اقتصادی بر اساس مدل پرومته نشان می دهد که در منطقه یک کشور، استان آذربایجان شرقی با کسب جریان خالص (۰/۸۰۷) رتبه اول را به خود اختصاص داد و از توسعه یافتگی اقتصادی بسیار قوی برخوردار می باشد. بعد از این استان، استان آذربایجان غربی با جریان خالص (۰/۱۹۳) از وضعیت متوسط اقتصادی و استان اردبیل با جریان خالص (-۱/۰۰۰) از وضعیت اقتصادی بسیار نامطلوبی برخوردار می باشد. در منطقه ۲ کشور، استان مازندران با کسب جریان خالص (۰/۸۶۵) در رتبه اول و از شرایط مطلوب اقتصادی برخوردار می باشد. بعد از این استان، استان گیلان با جریان خالص (۰/۰۶۳) از وضعیت متوسط و استان گلستان با جریان خالص (-۰/۹۲۸) از وضعیت بسیار ضعیف اقتصادی برخوردار است. در منطقه ۸ کشور، استان فارس با جریان خالص (۰/۵۹۷) و کسب جایگاه اول از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار است. بعد از این استان، استان بوشهر با جریان خالص (۰/۲۰۳) از وضعیت متوسط اقتصادی و استان کهگیلویه و بویراحمد با جریان خالص (-۰/۸۰۰) در رتبه آخر قرار دارد که از وضعیت اقتصادی بسیار ضعیفی برخوردار است. در منطقه ۹ کشور، استان کرمان با جریان خالص (۰/۵۴۴) جایگاه اول را به خود اختصاص داد و از وضعیت مناسب اقتصادی برخوردار می باشد. بعد از این استان، استان هرمزگان با جریان خالص (-۰/۰۱۸) از وضعیت اقتصادی ضعیف و استان سیستان

بلوچستان با جریان خالص (-۰/۵۲۷) از وضعیت اقتصادی بسیار ضعیف برخوردار است. شکل (۳) phi خالص هریک از استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور را به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه اقتصادی نشان می‌دهد. همچنین شکل (۴) نقشه میزان برخورداری استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور را به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه اقتصادی با استفاده از نتایج حاصل از مدل پرومته نشان می‌دهد.



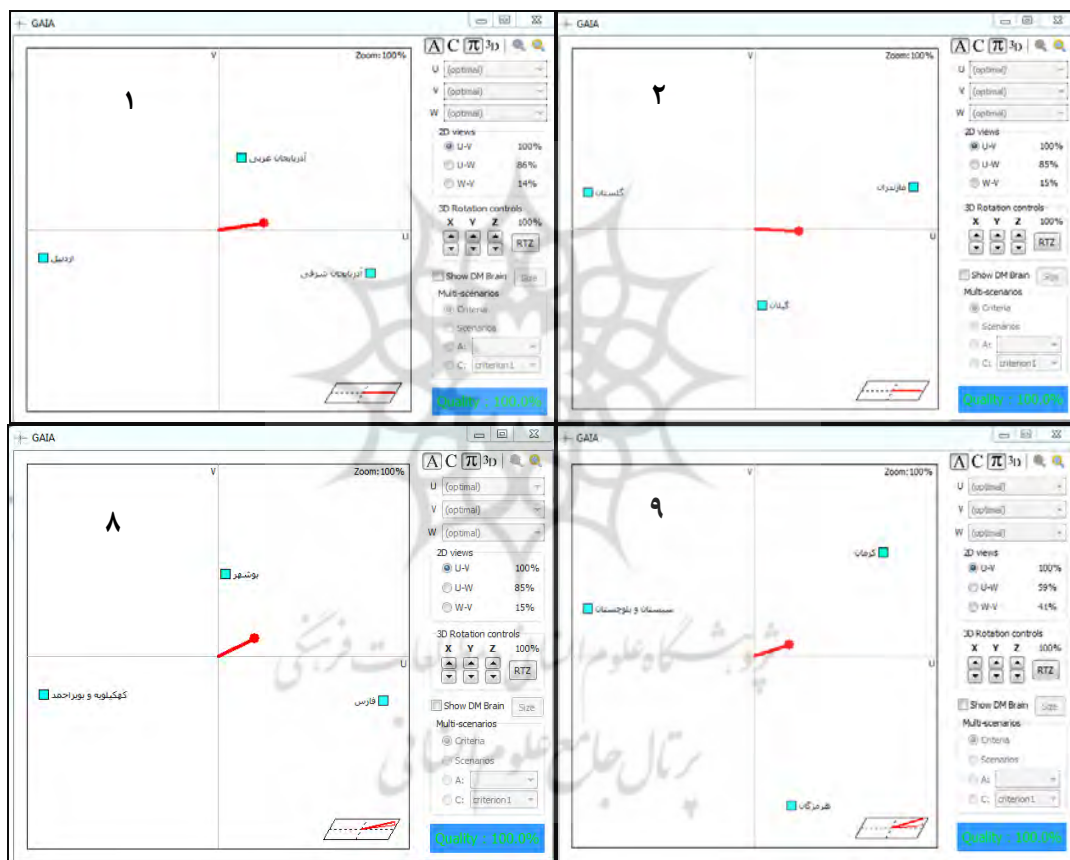
شکل ۳. رتبه‌بندی استان‌های براساس phi خالص کسب شده براساس نتایج مدل پرومته



شکل ۴. میزان برخورداری استان‌های از شاخص‌های توسعه اقتصادی با مدل پرومته

تحلیل گایا

ترکیب روش پرومته با روش‌هایی مانند GAIA، ابزار مفیدی را برای تحلیل ارتباط میان شاخص‌ها و تصمیم‌گیرندگان ایجاد می‌کند و شکاف زمانی تا هنگام توافق بر تصمیم را از بین می‌برد (اصغری زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۹). در این روش مجموعه‌ی گزینه‌ها را می‌توان با n نقطه در فضای K بعدی ارائه شود. با توجه به این که تعداد شاخص‌ها بیش از دو شاخص است تصویر واضح از فضای n بعدی غیرممکن است و بنابراین تحلیل ترکیب اصلی می‌تواند شبیه تحلیل دوبعدی گزینه‌ها بکار رود. نتایج حاصل از تحلیل گایا در زیر نشان داده شده است. بر اساس تحلیل گایا هرچقدر گزینه‌ها در جهت جریان خالص و در بین W و π باشند در رتبه‌های برتر قرار می‌گیرند (سرور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵). اما بدلیل وجود معیارهای زیاد و همپوشانی آن‌ها با یکدیگر امکان تفسیر نتایج سخت می‌باشد و برای رفع این مشکل از تحلیل GAIA Web برای تک تک گزینه‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل گایا در زیر نشان داده شده است (شکل ۵).



شکل ۵: توزیع فضایی استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸، ۹) کشور به لحاظ برخورداری از شاخص‌های اقتصادی

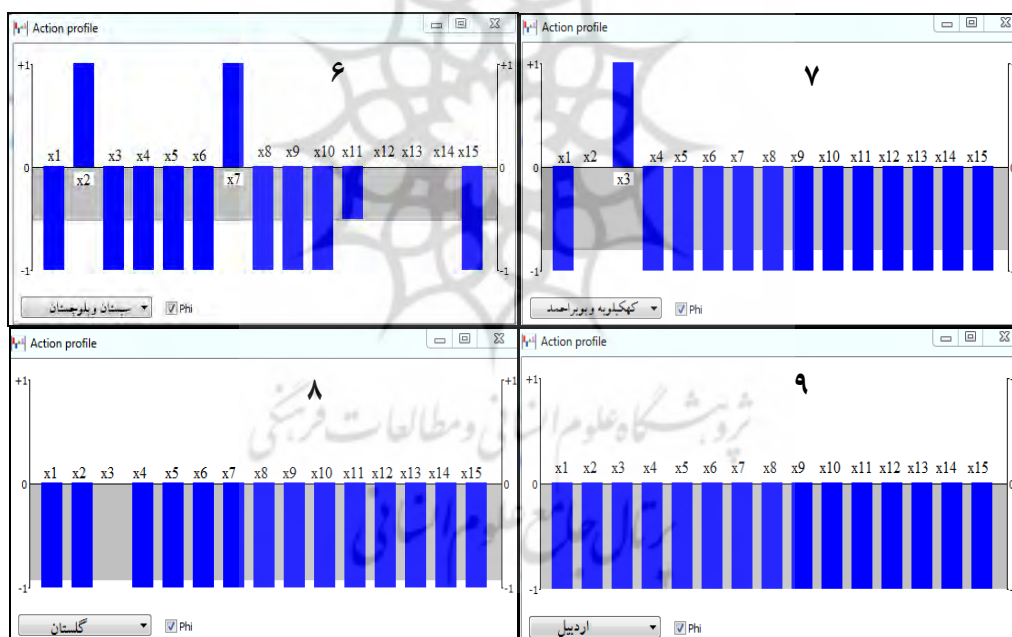
در صفحه گایا

شکل (۵)، توزیع فضایی استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸، ۹) کشور به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه اقتصادی در صفحه گایا نشان می‌دهد که در منطقه ۱ کشور، استان آذربایجان شرقی نزدیک‌ترین استان به جریان خالص می‌باشد که از نظر برخورداری از شاخص‌های توسعه اقتصادی از شرایط مطلوبی برخوردار می‌باشد در مقابل استان اردبیل دورترین استان به جریان خالص است که رتبه آخر را به خود اختصاص داده و از وضعیت اقتصادی بسیار ضعیف برخوردار می‌باشد. در منطقه ۲ کشور، استان مازندران نزدیک‌ترین استان به جریان خالص است و دارای وضعیت اقتصادی بسیار قوی

می‌باشد. در مقابل استان گلستان دورترین استان از جریان خالص و دارای وضعیت نامطلوب اقتصادی است. در مناطق ۸ و ۹ نیز به ترتیب استان‌های فارس و کرمان نزدیک‌ترین استان‌ها به جریان خالص هستند که از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار می‌باشند. در مقابل استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان دورترین استان به جریان خالص هستند که از وضعیت نامطلوب اقتصادی برخوردار می‌باشند.

تحلیل GAIA Web

نمودارهای گرافیکی در GAIA Web نمایش دهنده جریان phi خالص هر یک از معیارهای منفرد در ارتباط با گزینه‌های مختلف است. شکل حاصله از این نمودارها بیانگر تابعی از رابطه بین معیارها در ارتباط با گزینه انتخابی می‌باشد. در این نمودار phi مابین +۱ تا -۱ متغیر است هرچه phi مربوط به شاخص‌ها به +۱ نزدیک‌تر باشد نشانگر جریان خالص مثبت و برخوردار از رتبه بهتر می‌باشد. در مقابل هرچه phi مربوط به شاخص‌های موردسجش به -۱ نزدیک‌تر باشد نشانگر جریان خالص منفی و نامطلوب بودن آن است. نقطه قابل توجه در تحلیل چنین نموداری در صفحه وب گایا این است که بتوانیم وضعیت مجموعه شاخص‌ها را در ارتباط با هم بیان کنیم، یعنی با در نظر گرفتن phi مجموعه شاخص‌ها وضعیت استان را از نظر برخوردار از تعیین نماییم. برای چنین تحلیل، رنگ خاکستری در پس‌زمینه نمودار نشانگر وضعیت آن استان می‌باشد. شکل‌های (۶، ۷، ۸ و ۹) جریان phi خالص استان‌های بسیار ضعیف مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور را از نظر توسعه‌یافتگی اقتصادی نشان می‌دهد.



شکل (۶-۷-۸ و ۹): تحلیل گایا (میزان برخوردار از استان‌های بسیار ضعیف از شاخص‌های توسعه اقتصادی)

چنانکه که در شکل (۶) مشخص می‌باشد PI مربوط به تمامی شاخص‌های استان سیستان و بلوچستان به جزء در شاخص‌های X2 و X7 منفی است. مقادیر رنگ خاکستری در پس‌زمینه نمودار که حاکی از میانگین وضعیت شاخص‌های یا همان PI خالص، (۰/۵۲۷-) می‌باشد که نشانگر نامطلوب بودن وضعیت شاخص‌ها و رتبه پایین این استان دارد. در شکل شماره (۷) PI تمامی شاخص‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به جز شاخص X3 منفی است PI مربوط با این استان -۰/۸۰۰ می‌باشد. در شکل (۸ و ۹) PI تمامی شاخص‌های استان گلستان و اردبیل منفی است. PI خالص این دو استان به ترتیب (۰/۹۲۸-) و (۱/۰۰۰-) می‌باشد که حاکی از وضعیت بسیار نامطلوب شاخص‌های توسعه

اقتصادی در این دو استان است. براساس نتایج حاصل از این پژوهش، در راستای ضرورت توسعه متعادل و به منظور برخورداری عادلانه و توزیع منطقی امکانات و خدمات در استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه اقتصادی اقدام به اولویت بندی استان‌ها مناطق مورد مطالعه در برنامه‌ریزی های آتی شد (جدول ۶).

جدول ۶. اولویت بندی استان‌های در راستای توسعه متعادل

وضعیت توسعه یافتگی کنونی	استان	میزان اولویت در برنامه‌ریزی های آتی
بسیار ضعیف	اردبیل	اولویت بسیار بالا
	گلستان	
	کهگیلویه و بویراحمد	
	سیستان و بلوچستان	
ضعیف	هرمزگان	اولویت بالا
متوسط	آذربایجان غربی	اولویت متوسط
	گیلان	
	بوشهر	
قوی	فارس	اولویت ضعیف
	کرمان	
بسیار قوی	آذربایجان شرقی	اولویت خیلی ضعیف
	مازندران	

نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در جهت دستیابی به توسعه متعادل فضایی در استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور می‌بایستی در برنامه‌های آتی آمایش ملی، استان‌های اردبیل، گلستان، کهگیلویه و بویر احمد و سیستان و بلوچستان از اولویت برنامه‌ریزی بسیار بالا، استان هرمزگان از اولویت بالا، استان‌های آذربایجان غربی، گیلان و بوشهر از اولویت متوسط، استان‌های کرمان و فارس از اولویت ضعیف و استان‌های آذربایجان شرقی و مازندران از اولویت خیلی ضعیف برخوردار باشند (جدول ۶).

نتیجه گیری

ضرورت توسعه متعادل و شناخت نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان ...) به دلایل مختلفی همچون تأمین عدالت اجتماعی به منظور برخورداری عادلانه و توزیع منطقی امکانات و خدمات، کاهش ناآرامی‌ها سیاسی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها مطرح می‌گردد که از اساسی‌ترین ملزومات برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای می‌باشد. نابرابری‌های توسعه در مناطق مختلف یک کشور می‌تواند شکاف‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را عمیق‌تر نماید و فرآیند توسعه متعادل در کشور را با چالش بزرگی مواجه سازد. برای جلوگیری از چنین پیامدهایی و رسیدن به وضع مطلوب به منظور رفع این کاستی‌ها و سازماندهی فضایی مناسب امکانات و خدمات و ایجاد پایداری در بین مناطق مختلف، شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از وضع موجود ضروری است. شناخت وضعیت موجود مناطق از لحاظ شاخص‌های توسعه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، اولین مرحله در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ایجاد تعادل و تأمین عدالت اجتماعی بین مناطق بشمار می‌رود. استفاده از روش‌های آماری بهترین و مناسب‌ترین راه‌ها برای حل مسائل در زمینه تعیین درجه توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای می‌باشد. براین اساس پژوهش حاضر باهدف سنجش سطوح توسعه‌یافتگی درون منطقه‌ای

استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور به لحاظ ابعاد اقتصادی انجام شده است. در این پژوهش برای وزن‌دهی به شاخص‌های مورد پژوهش از مدل ANP و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره پرومته و گایا استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که در منطقه یک کشور، استان آذربایجان شرقی رتبه اول را به خود اختصاص داد و از توسعه یافتگی اقتصادی بسیار قوی برخوردار می‌باشد. بعد از این استان، استان آذربایجان غربی از وضعیت اقتصادی متوسط و استان اردبیل از وضعیت اقتصادی بسیار نامطلوبی برخوردار می‌باشد. در منطقه ۲ کشور، استان مازندران در رتبه اول و از شرایط مطلوب اقتصادی برخوردار است، و استان‌های گیلان و گلستان به ترتیب از وضعیت متوسط و بسیار ضعیف اقتصادی برخوردار هستند. در منطقه ۸ کشور، استان فارس با کسب جایگاه اول از وضعیت اقتصادی مطلوبی، استان بوشهر از وضعیت اقتصادی متوسط و استان کهگیلویه و بویراحمد از وضعیت اقتصادی بسیار ضعیفی برخوردار می‌باشند. در منطقه ۹ کشور، استان کرمان جایگاه اول را به خود اختصاص داد و از وضعیت مناسب اقتصادی برخوردار است، استان‌های هرمزگان و استان سیستان و بلوچستان به ترتیب از وضعیت اقتصادی ضعیف و بسیار ضعیف برخوردار هستند.

نقطه قابل توجه در یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین مرکزیت منطقه‌ای و جذب امکانات اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد. مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) کشور که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته بودند وجود چنین رابطه‌ای را ثابت می‌کند. به طوری که در منطقه یک (استان آذربایجان شرقی)، در منطقه ۲ (استان مازندران)، در منطقه ۸ (استان فارس) و در منطقه ۹ (استان کرمان) در مرکزیت منطقه خود قرار گرفته‌اند و با کسب بالاترین جریان خالص (ϕ) جایگاه اول را به خود اختصاص داده‌اند و نسبت به استان‌های همجوار در داخل منطقه از برتری شاخص‌های اقتصادی برخوردار می‌باشند. بررسی تفاوت‌های بین منطقه‌ای نیز نشان می‌دهد که منطقه ۲ کشور با مرکزیت استان مازندران رتبه اول، منطقه ۱ با مرکزیت استان آذربایجان شرقی رتبه دوم، منطقه ۸ با مرکزیت استان فارس رتبه سوم و منطقه ۹ با مرکزیت استان کرمان رتبه آخر را به خود اختصاص داده است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در جهت دستیابی به توسعه متعادل فضایی در استان‌های مناطق (۱، ۲، ۸ و ۹) می‌بایستی در برنامه‌های آتی آمایش ملی، استان‌های اردبیل، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان از اولویت بسیار بالا، هرمزگان از اولویت بالا، آذربایجان غربی، گیلان و بوشهر از اولویت متوسط، کرمان و فارس از اولویت ضعیف و آذربایجان شرقی و مازندران از اولویت خیلی ضعیف برخوردار باشند. در راستای یافته‌های پژوهش اجرای پیشنهادها زیر می‌توانند در رفع نابرابری‌ها و ایجاد پایداری فضایی مؤثر واقع شوند:

- تشکیل پایگاه داده‌های اقتصادی و جمعیتی مناطق و پایش آن به منظور افزایش یا کاهش نیاز به خدمات در راستای رفع نابرابری‌های منطقه‌ای؛
- اتخاذ استراتژی‌های محرومیت‌زدایی به لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های محروم به‌ویژه در استان سیستان و بلوچستان؛
- تلاش در جهت انطباق برنامه‌ریزی بخشی با نظام برنامه‌ریزی فضایی؛
- جلوگیری از مهاجر فرستی استان‌های محروم با ایجاد سیاست‌های اشتغال‌زایی و توزیع امکانات و خدمات شهری مطلوب در این استان‌ها.

۱. بدری، سید علی و اکبریان رونیز، سعید رضا. (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی کاربرد روش های سنجش توسعه یافتگی در مطالعات ناحیه ای مورد: شهرستان اسفراین، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۴(۷)، ۲۲-۵.
۲. پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سیناجردی، حسین. (۱۳۸۲). نظریه های شهر و پیرامون. تهران: انتشارات سمت.
۳. پوراصغر سنگاچین، فرزاد؛ صالحی، اسماعیل و دیناروندی، مرتضی. (۱۳۹۱). سنجش سطح توسعه یافتگی استان های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی. فصلنامه آمایش سرزمین، ۴(۷)، ۲۶-۵.
۴. تقوایی، مسعود و بهاری، عیسی. (۱۳۹۱). سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای. جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۴۸(۴)، ۳۸-۱۵.
۵. حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۵). برنامه ریزی ناحیه ای. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
۶. حکمت نیا، حسن و موسوی، میر نجف. (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای. یزد: انتشارات علم نوین.
۷. زالی، نادر. (۱۳۷۹). سطح توسعه منطقه ای (استان آذربایجان شرقی). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری. گروه شهرسازی: دانشگاه شیراز.
۸. زیاری، کرامت الله؛ محمدی، اکبر و عطار، خلیل. (۱۳۹۱). بررسی درجه توسعه یافتگی شهرستان های کشور و رابطه آن با نرخ شهرنشینی. فصلنامه برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۱(۳)، ۱-۱۶.
۹. زیاری، کرامت الله؛ سعیدی رضوی، نوید و بقال صالح پور، لیلا. (۱۳۸۹). سنجش توسعه یافتگی شهرستان های استان آذربایجان شرقی به روش (HDI). فراسوی مدیریت، ۳(۱۲)، ۷۵-۹۵.
۱۰. سرور، رحیم و خلیجی، محمد. (۱۳۹۴). سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویراحمد، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۱)، ۸۹-۱۰۲.
۱۱. سرور، رحیم؛ عشقی چهاربرج، علی و علوی، سعید. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی شاخص های توسعه در راستای تحقق امنیت پایدار در مناطق مرزی (مورد مطالعه: شهرستان های مرزی کلان منطقه آذربایجان). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۳(۱۲)، ۱-۲۲.
۱۲. شریف زاده، ابوالقاسم و عبدالله زاده، غلامحسین. (۱۳۹۱). سطح بندی توسعه منطقه ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی). فصلنامه مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، ۴(۱۳)، ۴۱-۶۲.
۱۳. صباغ کرمانی، مجید. (۱۳۸۰). اقتصاد منطقه ای. تئوری و مدل ها. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. صرافی. مظفر. (۱۳۷۹). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۱۵. ضرابی اصغر و شاهبوندی، احمد. (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در استان های ایران. فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۲۱(۲)، ۱۷-۳۳.
۱۶. ضرابی، اصغر و ایزدی، ملیحه. (۱۳۹۲). تحلیلی بر توسعه منطقه ای استان های کشور. فصلنامه برنامه ریزی فضایی، ۳(۱)، ۱۰۱-۱۱۶.
۱۷. عبداللهی، علی اصغر؛ کاکادزفولی، امین و کاکادزفولی، انیس. (۱۳۹۳). سنجش توسعه یافتگی شهرستان های استان کرمان از نظر شاخص های توسعه با استفاده از مدل SAW. نشریه مطالعات نواحی شهری، ۱(۱)، ۶۳-۸۵.
۱۸. قائدرحمتی، صفر؛ خادم الحسینی، احمد و محمدی فرد، علی. (۱۳۸۹). تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه آمایش محیط، ۳(۹)، ۹۷-۱۱۳.
۱۹. کلاتری، خلیل. (۱۳۸۷). پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS. تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
۲۰. لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۱). جامعه شناسی توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۱. محمدی، جمال؛ عبدلی، اصغر و بیرانوند، محمد فتحی. (۱۳۹۱). بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان لرستان به تفکیک بخش های مسکن و خدمات رفاهی - زیر بنایی. کشاورزی و صنعت. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۲(۲۵)، ۱۲۷-۱۵۰.

۲۲. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). [/https://www.amar.org.ir](https://www.amar.org.ir)
۲۳. منصوری ثالث، محمد. (۱۳۷۵). محاسبه درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده شهید بهشتی.
۲۴. مومنی، مهدی و قهاری، غلامرضا. (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان فارس. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳ (۹)، ۵۳-۶۶.
۲۵. نسترن، مهین؛ ابوالحسنی، فرحناز و بختیاری، نرجس. (۱۳۹۴). پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵ (۱۷)، ۱-۱۴.
۲۶. نظریان، اصغر. (۱۳۷۴). جغرافیای شهری ایران. تهران: انتشارات پیام نور.
27. Babic, Z., & Plazibat, N. (1998). Ranking of enterprises based on multicriterial analysis, *International Journal of Production Economics*, 56-57, 29-35.
28. Bogdanovic, D., Nikolic, D., & Ilic, I. (2012). Mining method selection by integrated AHP and PROMETHEE method. *Anais da Academia Brasileira de Ciências*, 84 (1), 219-233, 2012.
29. Brans, J., & Mareschal, B. (2005). *PROMETHEE method cited at: Multiple Criteria Decision Analysis: State of the Art Surveys*, Springer, New York.
30. Brans, J.P. (1996). The space of freedom of the decision maker modeling the human brain: European. *Journal Operational Research*, 92, 593-602.
31. Brans, J.P., & Mareschal, B. (1994). The PROMCALE- GAIA decision support system for multicriteria decision aid. *Decision Support Systems*, 4/5 (12), 297- 310.
32. Chou, T.Y. Lin, W.T. Lin, Ch. Y. Chou, W.Ch. & Huang, P. (2004). Application of the PROMETHEE technique to determine depression outlet location and flow direction in DEM. *Journal of Hydrology*, 287(1-4), 49-61.
33. Friedman, J. (1966). *Regional Development Policy: A case study of Venezuela*. M. I. T. Press.
34. Hall, Peter. 1992. *Urban and Regional plannig*, London.
35. Hilhorest, G. (1991). *Region Planning*, Translation of Qolam Reza Shiraziyan & et. Plan & Budget Department. Tehran.
36. Javier, A., & Martinez, M. (2005). *monitoring intra-urban inequalities with gis-based indicators*, Faculty of Geosciences. Utrecht University
37. Kalogeras, N., Baourakis, G., Zopounidis, C., & Dijk, G. (2004). Evaluating the financial performance of agri-food firms: a multicreteria decision-aid approach. *Jornal of Food Engineering*, 62, 117-37.
38. Leeneer, I., & Pastijn, H. (2002). selecting land mine detection strategies by means of outranking MCDM techniques. *European Journal Operational Reasearch*, 139, 327-338
39. Mabogunje A. L., & Misra R. P. (1981). *Regional Development Alternatives*, Maruzen.
40. Song, S., Chu G. S., & Chao R. (2000). Intercity regional disparity in China, *China Economic Review*, 3 (11), 246-261.